

مقطع
متوسطه
پایه
یازدهم

هر خانه یک مدرسه



اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان
معاونت آموزش متوسطه
اداره تکنولوژی و گروه های آموزشی متوسطه

درس ۷

اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان

مقطع
متوسطه
پایه
یازدهم

هرفانه یک مدرسه

درس هفتم عربی رشته
علوم انسانی

تهیه کننده
گروه آموزشی
زبان و ادبیات عرب
استان زنجان

درس ۷

اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان

هدف کلی درس

دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :

- ۱- متن درس را درست بخواند ، درست بفهمد و درست ترجمه کند .
- ۲- پیام آموزشی درس را درک کند .
- ۳- به هنگام ضرورت به حکمت های درس استشهاد کند .
- ۴- معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند .
- ۵- با معانی افعال پُرکاربرد ناقصه « کَانَ ، صَارَ ، لَیْسَ و أَصْبَحَ » به ویژه فعل مهم کَانَ در جمله آشنا شود

ترجمه درس هفتم

نا امید نشوید

هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند می یابد .

هیچ مشکلی ، قادر به شکست دادن شخصی که توکل به خداوند می کند و تکیه به خودش و توانمندی هایش می کند نیست . بسیاری از افراد موفق ، شگفتی دیگران را برانگیخته اند ؛ با اینکه آنها معلول یا فقیر بودند یا با مشکلاتی بسیار در زندگی شان روبرو می شدند . و از اینها هستند :

استاد مهدی آذر یزدی و او مشهورترین نویسنده ، برای داستان های کودکان ، در سنّ بیست سالگی ، کارگر ساده ای بود ، سپس کتابفروش شد ، و در زندگیش به مدرسه نرفت .

هلن کیلر ، هنگامیکه به ۱۹ ماهگی رسید ، دچار تبی شد که او را کودکی نابینا ، ناشنوا و لال گردانید ؛ پس پدر و مادرش ، او را به مؤسسه ی اجتماعی معلولان فرستادند . معلم هلن توانست از راه لمس و بویایی ، حروف الفبا و سخن گفتن را به او یاد دهد ؛ و هنگامیکه به بیست سالگی رسید ، فرد معروفی در دنیا شد و

تعدادی ، مدارک دانشگاهی به دست آورد . و سرانجام توانست به کشورهای مختلف ، سفر کند . و چند سخنرانی ایراد کرد و مایه ی شگفتی روزگارش شد . هلن ، ۱۸ کتاب تألیف کرد که به ۵۰ زبان ترجمه شدند .

مهتاب نبوی ، دختری است که بدونِ دو دست متولد شد ، و با وجود این ، پس او می نویسد و نقاشی می کشد و شنا می کند و کمر بند مشکی ، در تکواندو بدست آورد و کتابی را تألیف کرد .

کریستی براون ، در خانواده ای فقیر متولد شد و دچار فلج مغزی بود و قادر به حرکت و سخن گفتن نبود .

پس مادرش او را کمک کرد . در روزی از روزها ، کریستی ، تکه گچی را با پای چپش برداشت و آن ، تنها

عضو متحرک ، از بین چهار دست و پایش بود و چیزی را نقاشی کرد . و از اینجا ، زندگی جدیدش آغاز شد

. کریستی ، بسیار تلاش کرد ، و نقاش و شاعر شد و کتابی را با نام " پای چپم " تألیف کرد . این کتاب ، بعد

ها فیلمی شد که جایزه ی اوسکار را بدست آورد .

افعال ناقصه ، ۱۳ فعل هستند که عبارتند از : **كَانَ ، صارَ ، لَيسَ ، أَصْبَحَ ، أَضْحَى ، أَمْسَى ، مازالَ ، ما بَرِحَ ، ما انفكَّ ، مادامَ ، ما قَتَيْ ، ظَلَّ ، باتَ .**
چهار فعل **كَانَ ، صارَ ، لَيسَ ، أَصْبَحَ** ، از این ۱۳ فعل ، فعل های پُرکار بُرد هستند که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم :

كَانَ چند معنا دارد :

۱- به معنای (بود) : مثال : **كَانَ البَابُ مُعْلَقاً** . در بسته بود.

۲- به معنای (است) : مثال: **(إِنَّ اللهَ كَانَ غَفوراً رَحِيماً)** بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- **كَانَ** به عنوان (فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری) : مثال: **كانوا يَسْمَعُونَ** : می شنیدند.

۴- **كَانَ** به عنوان (فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید) :

مثال: **(كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ)** و **(كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ)** به این معناست: (دانش آموز شنیده بود).

۵- **(كانَ)** بر سر **(لِ)** و **(عند)** معادل فارسی (داشت) است. مثال :

كانَ لي خاتمُ فضةٍ . انگشتر نقره داشتم. **كانَ عندي سَريرٌ خشبيٌّ** . تختی چوبی داشتم.
مضارع كانَ (يكونُ) به معنای (می باشد) و امر آن **(كُنْ)** به معنای (باش) است.

صارَ و أَصْبَحَ به معنای (شد) هستند. مضارع صارَ (يَصِيرُ) و مضارع أَصْبَحَ (يُصْبِحُ) است. مثال :

(... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً) « از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می شود»

نَظَّفَ الطَّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً. «دانش آموزان مدرسه شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد»

أَيْسَ يَعْنِي (نَیْسَت) مِثَال :

(... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ) «با دهان هایشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می کنند داناتر است»

۱- افعال ناقصه ، بر ابتدای جمله اسمیه می آیند و مبتدا را ، مرفوع و خبر را منصوب می کنند . (رافع اسمند و ناصبِ خبر) مثال :

البُستانُ جَمیلٌ . (باغ ، زیبا است .)

توضیح : جمله « البُستانُ جَمیلٌ . » ، جمله اسمیه است و « البُستانُ » ، مبتدا و مرفوع است و « جَمیلٌ » ، خبر و مرفوع است . حالا فعلِ ناقصه « صارَ » را به ابتدای آن می آوریم و جمله ، به این صورت می شود :

صارَ البُستانُ جَمیلاً . (باغ زیبا شد .)

ترکیبِ جمله :

« صارَ » ، فعل ناقصه است .

« البُستانُ » ، اسمِ فعلِ ناقص و مرفوع است .

« جَمیلاً » ، خبرِ فعلِ ناقص و منصوب است .

۲- همه قواعدی که برای فعل و فاعل ، گفته شده است میان فعل ناقص و اسمش ، صدق می کند . مثال :

الف- انواع فاعل ، سه نوع می باشد (اسم ظاهر، ضمیر بارز، ضمیر مستتر) ، پس اسم فعل ناقص نیز ، سه مورد می باشد . مانند :

كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا . (اسم فعل ناقص ، کلمه «الْبَابُ» است و از نوع اسم ظاهر می باشد)

كَانُوا يَسْمَعُونَ . (اسم فعل ناقص ، ضمیر «و» است و از نوع ضمیر بارز می باشد)

كَانَ عَفُورًا . (اسم فعل ناقص ، ضمیر «هُوَ» در كَانْ است و از نوع ضمیر مستتر می باشد)

ب- مطابقت فعل و فاعل در جنس (مذکر و مؤنث). مانند :

كَانَ الطَّالِبُ نَشِيطًا . كَانَتِ الطَّالِبَةُ نَشِيطَةً .

۳- همه قواعدی که برای مبتدا و خبر ، گفته شده است میان اسم فعل ناقص و خبرش ، صدق می کند . مثال : مُقَدَّم بودن خبر بر مبتدا ، هنگامیکه مبتدا ، اسم نکره باشد و خبر ، شبه جمله (ظرف ، جار و مجرور) باشد . مانند :

أَيْسَرَ لِلْفِرَارِ مَجَالٌ .

توضیح : کلمه «مَجَالٌ» ، اسم مؤخّر فعل ناقص است و «لِلْفِرَارِ» ، خبر مُقَدَّم فعل ناقص است .

۴- چرا به این افعال ، فعل های ناقصه گفته می شود ؟ چون این فعل ها ، فقط با اسم مرفوعشان ، نمی توانند کامل شوند ، بلکه به یک منصوب نیز نیاز دارند .

«اللهم ارزقنا صحّة في أبداننا

وسعة في أرزاقنا

و بركة في أعمارنا»

منابع استفاده شده :

کتاب درسی چاپ ۹۸

و

کتاب های درسی نظام قدیم